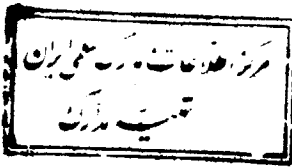


۲۷۷۲۰



۱۳۷۸ / ۹ / ۲۰

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع:

تحلیل و بررسی رکن معنوی قتل عمد موضوع

ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی

استاد راهنما:

دکتر منوچهر خزانی

استاد مشاور:

دکتر محمد علی اردبیلی

۵۱۱۷

نگارش: علیرضا رست

شهریور ۱۳۷۸

۲۷۷۲۰

تقدیم به:

والدین عزیزم علی اکبر و معصومه ملایجردی و همسر آینده‌ام

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
د.....	پیشگفتار.....
۱.....	مقدمه.....
۵.....	بخش اول: کلیات.....
۷.....	فصل اول: پیشینه تاریخی قتل عمدی در حقوق موضوعه.....
۸.....	مبحث اول: قتل عمدی در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴.....
۸.....	الف - ماده ۱۷۰ ق.م.ع.....
۹.....	ب - ماده ۱۷۱ ق.م.ع.....
۱۲.....	مبحث دوم: قتل عمدی در قوانین مجازات اسلامی.....
۱۲.....	الف - قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱.....
۱۴.....	ب - قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.....
۱۵.....	فصل دوم: مفهوم قتل، عمد، تعریف قتل عمدی، عناصر و انواع آن.....
۱۵.....	مبحث اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی قتل، عمد و تعریف قتل عمدی.....
۱۵.....	الف - مفهوم لغوی و اصطلاحی قتل.....
۱۶.....	ب - مفهوم لغوی و اصطلاحی عمد.....
۱۸.....	ج - تعریف قتل عمدی.....

مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده قتل عمدی و انواع قتل عمدی به اعتبار	
درجات سوء نیت	۲۵
الف - عناصر تشکیل دهنده قتل عمدی	۲۵
ب - انواع قتل عمدی به اعتبار درجات سوء نیت	۲۹
بخش دوم: معیار عمدی بودن قتل عمدی بسند «الف» ماده ۲۰۶ قانون	
مجازات اسلامی	۳۳
فصل اول: لزوم اراده و سوء نیت	۳۵
مبحث اول: مفهوم، مقدمات، جایگاه و لزوم اراده	۳۵
الف - مفهوم اراده	۳۶
۱- مفهوم لغوی اراده	۳۶
۲- مفهوم اصطلاحی اراده	۳۷
ب - مقدمات اراده، جایگاه و لزوم آن	۴۰
۱- مقدمات اراده	۴۰
۲- جایگاه و لزوم اراده	۴۳
مبحث دوم: سوء نیت لازم	۴۶
الف - سوء نیت عام و خاص	۴۶
۱- سوء نیت عام	۴۷
۲- سوء نیت خاص	۵۰
ب - سوء نیت معین و غیر معین	۵۴
۱- سوء نیت معین	۵۵
۲- سوء نیت غیر معین	۵۷

فصل دوم: مفهوم علم، جهل، اشتباه، تفاوت جهل و اشتباه و انواع جهل و اشتباه.....	۶۰
مبحث اول: مفهوم علم، جهل، اشتباه و تفاوت آن با جهل و انواع جهل ..	۶۱
الف - مفهوم لغوی و اصطلاحی علم، جهل، اشتباه و تفاوت آن با جهل	۶۱
۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی علم، جهل و اشتباه.....	۶۱
۲- تفاوت جهل و اشتباه	۶۳
ب - انواع جهل (شبهه)	۶۴
۱- جهل به حکم (شبهه حکمی)	۶۴
۲- جهل به موضوع (شبهه موضوعی)	۶۷
مبحث دوم: اشتباه در شخص و شخصیت در قتل عمدی	۷۱
الف - نظریات فقهی و حقوقی.....	۷۱
۱- اشتباه در شخص	۷۲
۲- اشتباه در شخصیت	۷۶
ب - اشتباه در شخص و شخصیت در قوانین و رویه قضایی	۸۰
۱- اشتباه در شخص و شخصیت در قوانین	۸۰
۲- اشتباه در شخص و شخصیت در رویه قضایی	۸۶
بخش سوم: معیار عمدی بودن قتل عمدی بندهای «ب و ج» ماده ۲۰۶	
قانون مجازات اسلامی	۹۱
فصل اول: قصد تبعی	۹۳
مبحث اول: مفهوم آلت قتاله، فعل کشنده و انواع فعل کشنده	۹۴
الف - آلت قتاله و فعل کشنده	۹۴
۱- ماده ۱۷۱ ق.م.ع	۹۵

- ۲- فعل کشنده ۹۷
- ب - انواع فعل کشنده ۱۰۱
- ۱- فعل کشنده به اعتبار نوع و ماهیت فعل ۱۰۲
- ۲- فعل کشنده به اعتبار حساس بودن موضع اصابت مجنی علیه ۱۰۳
- ۳- فعل کشنده به اعتبار شخصیت مجنی علیه ۱۰۵
- مبحث دوم: ضابطه تشخیص فعل کشنده، ماهیت قتل‌های با فعل کشنده و امکان تعارض بین قصد صریح و تبعی ۱۰۷
- الف - ملاک کشنده بودن فعل عرف است ۱۰۷
- ۱- مفهوم عرف ۱۰۷
- ۲- انواع عرف ۱۰۹
- ب - ماهیت قتل‌های با فعل کشنده و امکان تعارض بین قصد صریح و تبعی ۱۱۲
- ۱- نظریه در حکم عمدی بودن قتل ۱۱۲
- ۲- نظریه عمدی بودن قتل ۱۱۴
- ۳- امکان تعارض قصد صریح و تبعی ۱۱۸
- فصل دوم: آگاهی مرتکب به کشنده بودن فعل و وضعیت مجنی علیه ۱۲۰
- مبحث اول: آگاهی مرتکب به کشنده بودن فعل و موارد تصریح و عدم تصریح آن ۱۲۰
- الف - فرض وجود آگاهی و موارد تصریح لزوم آن ۱۲۰
- ۱- فرض وجود آگاهی ۱۲۱
- ۲- موارد تصریح بر لزوم آگاهی ۱۲۴
- ب - موارد عدم تصریح بر لزوم آگاهی مرتکب ۱۲۵

۱۲۶	۱- عدم شیاع و اشتهاار خصوصیت فعل
۱۲۷	۲- مواردی که ظاهر احتمال جهل جانی است
۱۲۸	مبحث دوم: آگاهی به وضعیت مجنی علیه
۱۲۹	الف - انواع وضعیت
۱۲۹	۱- وضعیت‌های ظاهری
۱۳۰	۲- وضعیت‌های درونی
۱۳۱	ب - کیفیت آگاهی مرتکب به وضعیت
۱۳۱	۱- مواردی که آگاهی مرتکب لازم است
۱۳۲	۲- مواردی که آگاهی مرتکب لازم نیست
۱۳۶	نتیجه گیری
۱۴۵	فهرست منابع

فهرست علامات اختصاری که در این پایان نامه استفاده شده است:

بی تاریخ	۱- بی تا
جلد	۲- ج
رجوع کنید	۳- ر.ک
صفحه	۴- ص
صفحات	۵- صص
قانون حدود و قصاص	۶- ق.ح و ق
قانون کیفر عمومی	۷- ق.ک.ع
قانون مجازات اسلامی	۸- ق.م.ا
قانون مجازات عمومی	۹- ق.م.ع

«چکیده»

قتل عمدی از سه عنصر قانونی، معنوی و مادی تشکیل شده است و شدیدترین جرم علیه تمامیت جسمانی اشخاص می باشد. بنابراین، بررسی عناصر آن، مخصوصاً عنصر روانی که مسؤولیت کیفری بدان وابسته است واجد اهمیت می باشد. در عنصر روانی از علم، اراده، سوءنیت و انگیزه بحث می گردد. عنصر روانی جرم قتل عمدی نیز، اصولاً به اراده، علم و سوءنیت نیاز دارد. مقنن، احکام و مقررات کلی مربوط به قتل عمدی را در طی سه بند در ماده ۲۰۶ ق.م.ا. بیان نموده است. حقوقدانان، بند «الف» این ماده را تحت عنوان قصد صریح و بندهای «ب و ج» را تحت عنوان قصد ضمنی می دانند. آنچه که ماحصل این رساله محسوب می شود، بررسی دقیق عنصر روانی قتل عمدی با قصد صریح و ضمنی می باشد. این رساله از یک پیشگفتار، یک مقدمه، سه بخش و یک نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش اول، کلیاتی از قتل عمدی، در بخش دوم، معیار عمدی بودن قتل عمدی بند «الف» ماده ۲۰۶ ق.م.ا. و در بخش سوم نیز، معیار عمدی بودن قتل عمدی بندهای «ب و ج» مورد بررسی قرار می گیرد. و در نهایت با نتیجه گیری به این رساله خاتمه داده خواهد شد.

کار انسان نباید تفکر درباره پدیده‌هایی باشد
 که تاکنون کسی به آنها پی نبرده است، بلکه
 باید اندیشیدن به آن واقعیاتی باشد که در
 برابر دیدگان همه قرار دارد، اما کسی به آنها
 «بیشگفتار»
 نپرداخته است.

«شو پنهاور»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دگرگونی عمیقی در نظام حقوقی و به ویژه قوانین کیفری بوجود آمده و در جهت انطباق تام احکام قضایی با موازین شرعی تلاش‌هایی انجام گرفته است. این تغییر و تحول، بیشتر حوزه کیفری را در بر می‌گیرد و بنابراین با توجه به تحولات اخیر، پژوهش و تحقیقات گسترده‌ای را در شناخت و تعیین عناصر و اجزاء متشکله اعمال جزایی طلب می‌نماید. از جمله این اعمال جزایی، قتل عمدی می‌باشد که البته قدمتی به اندازه تاریخ زندگی انسان بر این کره خاکی دارد.

نخستین بار قایل، هاییل را به قتل رساند و بذر کینه و شرارت را در زمین افشاند و از آن پس نیز همچنان قتل و کشتار به دلایل و انگیزه‌های مختلف و با روش‌های گوناگون ادامه داشته و از این پس نیز ادامه خواهد داشت.

گاه به گاه، جراید خبر از قتل دهها انسان بی گناه توسط قاتلینی را می‌دهند که با زبردستی و مهارت تمام و روش‌های اعجاب‌انگیز، قربانیان خود را به قتل رسانده، و اجساد آنها را تکه تکه نموده‌اند. تا اینکه بعد از مدّت‌ها، پلیس موفق به شناسایی و دستگیری آنها شده است. در این گونه موارد، احساس ترس و ناامنی جامعه را فرا گرفته، احساسات و عواطف مردم، شدیداً جریحه دار شده و یک صدا خواهان مجازات سریع و بی قید و شرط جانی می‌شوند. با توجه به تأثیرات نامطلوب این جرم در سلب امنیت و آرامش جامعه و برهم زدن نظم عمومی از گذشته‌های دور

تاکنون همواره شدیدترین مجازات‌ها برای قتل عمدی پیش بینی شده است. در دین مبین اسلام، علاوه بر تعیین مجازات قصاص برای قاتلین، قتل نفس از گناهان کبیره به شمار آمده و خدای تعالی در قرآن کریم، از جمله در سوره مبارکه «نساء» آیه (۹۳) بطور صریح وعده عذاب داده است و می‌فرماید: «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه واعدله عذاباً عظیماً».

در آیات دیگری نیز به اهمیت قتل عمدی پرداخته شده است و روایات متعددی نیز در خصوص قتل و ضمانت اجرای آن وجود دارد.

با عنایت به اهمیت قتل عمدی که شدیدترین جرم علیه تمامیت جسمانی اشخاص می‌باشد. و اهمیت رکن روانی از بین عناصر سه گانه جرم، که مرتکب قتل نیز باید واجد آن بوده باشد تا قابل سرزنش بوده و مستوجب قصاص گردد. و عنایت به این مطلب که قتل عمدی از زمره جرایمی است که عنصر مادی آن مقید به قید نتیجه (سلب حیات) است و در چنین جرایمی، وجود سوءنیت عام و سوءنیت خاص در ذهنیت مرتکب لازم است و مرتکب قتل، باید قصد فعل و قصد نتیجه داشته باشد تا عملش عمدی تلقی گردد. صرف نظر از اینکه شخصیت و هویت مجنی علیه تأثیری در ماهیت قضیه نداشته باشد.

لیکن مقنن در ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی که احکام و مقررات کلی مربوط به قتل عمدی را بیان نموده است. اولاً، قتل شخص معین را در بند «الف» لازمه قتل عمدی دانسته است. ثانیاً، در دو بند «ب و ج» سوءنیت خاص را در ذهنیت مرتکب قتل عمدی ضروری ندانسته است. ثالثاً، کیفیت علم مرتکب به کشنده بودن عمل در بند «ب» مشخص نشده است. رابعاً، کیفیت آگاهی مرتکب به وضعیت مجنی علیه در بند «ج» مبهم است.

با عنایت به اهمیت موضوع که از دقت در مطالعات فوق الذکر آشکار می‌گردد و تحولی که در زمینه قوانین و مقررات جزایی، همچون دیگر بخش‌های جامعه به

دنبال پیروزی انقلاب اسلامی بوجود آمده و مسائل بدیع و جدیدی که در این زمینه مطرح گشته و لزوم کنکاش و تحقیق در این خصوص، موضوع رساله خود را «تحلیل و بررسی رکن معنوی قتل عمد موضوع ماده ۲۰۶ ق.م.ا.» انتخاب نمودم.

اما موانع تحقیق که در این زمینه وجود دارد عبارتست از:

از آنجایی که مقررات قانون مجازات اسلامی، نسبتاً جدید است و مقررات حقوق جزایی اسلام، به لحاظ آنکه حکومتهای گذشته، عموماً در دست خلفاء و سلاطین جور بوده، آنطور که باید و شاید در رسیدگی های کیفری مورد عمل قرار نگرفته است.

بعد از انقلاب، در راستای اجرای اهداف انقلاب و اجرای حدود الهی، قانون راجع به مجازات اسلامی و مقررات حدود و قصاص و دیات (۱۳۶۱) به سبک و شیوه جدید تدوین گردید. مقررات مذکور ۹ سال اجراء و در سال ۱۳۷۰ با توجه به تجربیات بدست آمده و عنایت به واقعیات، نیازها و مصالح جامعه، قانون مجازات اسلامی تصویب و برخی از مواد قانون قبلی (از جمله بند «الف» ماده ۲ ق.ح.وق) تغییرات اساسی یافتند. این تغییر و تحول سریع مقررات و تغییر مواد قانون و عدم وجود رویه قضایی ثابت و مشخص در زمینه موضوعات گوناگون قانون مجازات اسلامی، تحقیق و بررسی در این زمینه را با دشواری بسیار روبرو ساخته است که نیازمند تحقیق و بررسی دقیق می باشد.

اما روشی که در نگارش این رساله انتخاب گردیده است، کتابخانه ای بوده و مبتنی بر تجزیه و تحلیل مطالب است که با توجه به قوانین موضوعه و منشأ آنها، به ذکر اقوال و آراء مختلف فقهاء و حقوقدانان، در هر زمینه اشاره گردیده است. پس از تحلیل مواد مربوطه در قوانین جزایی و مقایسه نظرات مختلف، نظر نگارنده آورده شده است.

در اینجا لازم می دانم از راهنمایی های آقای دکتر منوچهر خزانی و مشاوره های

آقای دکتر محمدعلی اردبیلی و دیگر اساتید محترم حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران، که در تهیه این رساله مرا یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم. این نوشتار که کوششی است مقدماتی با همه نواقصی که وجود دارد، امید است که مفید واقع شود و انگیزه بررسی‌های عمیق و گسترده را در زمینه فقه جزایی بعمل آورد. در این راه توفیق همه پژوهشگران معتقد و دلسوز را آرزو می‌کنم. در ضمن، در این رساله، هرگونه عیب و نقص نگارشی که وجود داشته باشد، صرفاً بر عهده نگارنده می‌باشد.

«مقدمه»

مقررات و احکام کلی مربوط به قتل عمدی، در طی سه بند در ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی بیان شده است. اصولاً ملاک عمدی بودن قتل عمدی، قصد در فعل (خواست ایراد صدمه جسمانی) و قصد در نتیجه (خواست سلب حیات) می‌باشد؛ یعنی، شخصی که واجد قصد فعل و قصد نتیجه باشد و مرتکب قتلی گردد، قتل ارتكابی از ناحیه وی عمدی محسوب می‌گردد. و هرگونه اشتباه در هدف و یا هویت مجنی علیه، نبایستی مغیر ماهیت قتل عمدی باشد.

اما مقنن (۱۳۷۰) با افزودن عبارت «شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع»، در بند «الف» ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی باعث تغییراتی در خصوص ماهیت قتل عمدی، نسبت به قوانین سابق گردیده است و منجر به بروز اختلاف نظرهایی در عمل و تئوری گردید. زیرا مفهوم «معین» مبهم بوده و بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد که آیا منظور مقنن از «معین»، معین هویتی است یا هدفی؟ عده‌ای از حقوقدانان، معتقدند منظور مقنن از «شخص معین»، ناظر به معین هویتی است. بنابراین، شخص مورد نظر هویتی و شناسنامه‌ای مرتکب مدنظر مقنن می‌باشد. بدین ترتیب، هرگونه اشتباه در شخصیت مجنی علیه، ماهیت قتل عمدی را به غیر عمدی تبدیل می‌نماید.

عده دیگری از حقوقدانان، عقیده دارند که منظور از شخص معین، معین هدفی است نه هویتی. زیرا اگر هویت شخص مورد نظر مقنن بود، عبارت «یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع» ضرورتی نداشت. پس منظور مقنن از معین، معین هدفی است